**( 60 )**

**هو الابهی**

ای بیسر و سامان مدتی است که از شما خبری نرسیده و حال آنکه قرار چنین بود که در هر نقطه‌ئی هستی نامه بنگاری اگر در جواب تأخیری یا فتوری حاصل این از کثرت مشاغل و غوائل و مهالک و مصائب است تو میدانی در چه دریائی غرقم با وجود این دردهای بیدرمان و هجوم امور از اطراف جهان فرصت و مهلتم اقل قلیل دیگر چگونه میتوان نامه‌ها را مثل امواج بحر بی‌پایان جواب تحریر نمود حال مکاتیب را در نهایت اختصار مینگارم و نوع دیگر نمیتوانم آن اوقات سفر گذشت و آن راحت فکر از دست رفت چه ایام مبارکی بود که هر روز در مرز و بومی و هر شب در حدود و ثغوری باعلاء کلمه ترتیل آیات توحید و ترویج تعالیم حضرت مقصود روحی لاحبائه الفداء در نهایت سرور و شادمانی در محافل نورانی نعره زنان بشارت بملکوت الله میدادیم بقول اتراک کوتلر کجرکه خاطره سی بر جهان دگر باری در هر جائی که هستی در صون حمایت رب ودود باش و محفوظ از سهام هر لدود تا توانی بکوش تا نفس اخیر از ملکوت اثیر مدد و تأیید رسد بجمیع احباء از قبل من تحیت و ثنا در نهایت اشتیاق برسان و علیک البهآء الابهی